

هویت

مفهومی چند وجهی و سیال هویت

گیتی پورزکی



- گفتارهایی درباره هویت ملی ایران (مجموعه مقالات)
- داود میرمحمدی (گردآوری و تدوین)
- مؤسسه مطالعات ملی
- ۱۳۸۳، ۳۳۶ صفحه، ۲۰۰۰ نسخه، ۳۰۰۰ تومان

آگاهی بیشتر از آراء بیان شده به معرفی چند مقاله می‌پردازیم و سپس خط کلی کتاب را بررسی می‌کنیم.

مروری بر برخی مقالات کتاب

دکتر محمود روح الامینی در مقاله خود با عنوان مفهوم‌شناسی هویت ملی، هویت را تابعی از فرهنگ می‌شمارد و عنوان می‌دارد به نظر من دست‌آفرینها و اندیشه‌آفرینهای بشری را که به عمل درمی‌آید می‌توان در زیر عنوان فرهنگ آورد. (ص ۲۰) هویت فرهنگی تحت عوامل تکنیکی و عوامل منطقه‌ای تقویت یا تضعیف می‌شوند. دامنه نفوذ رسانه‌ها و ابزارهای ارتباطی هر روز گسترده‌تر می‌شود و در نتیجه موسیقی، وسائل نقلیه و پدیده‌های دیگر وارد جوامع می‌شوند و زندگی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. معماری سنتی، ستونی از هویت فرهنگی ماست، اما با هجوم فناوری، به سوی آپارتمان‌نشینی کاذب رانده شده‌ایم. اما تقویت هویت ملی نیز کاری طولانی مدت است که خانواده می‌تواند در این رابطه نقشی اساسی داشته باشد.

دکتر محمود سریع القلم در «متدلوژی فهم هویت ملی» منابع تنفس و تغذیه فکری را سه منبع می‌داند. ۱- منبع دینی ۲- منبع ملی ۳- منبع غربی. عمارتی که در باب هویت ملی بنا می‌شود باید به این سه لایه توجه داشته باشد. ایشان شاخصه‌های هویت ملی را در شش عنوان معرفی می‌کند: ۱- تاریخ ۲- سابقه فرهنگی ۳- نقش دین و قومیت ۴- ژئوپلیتیک یا جغرافیای سیاسی ۵- مقدرات و تواناییهایی که در یک کشور وجود دارد ۶- نظام آموزشی و محتوای آموزشی در یک کشور. همچنین از رابطه میان مردم و حکومت و نوع ارتباط ارگانیک آن یاد می‌کند.

دکتر حاتم قادری ضمن شکستن هویت ملی به «هویت» و «ملی» معتقد است که هویت شناسنامه‌ای است که بنیادهای توجیهی انسان را در متن روابط بررسی می‌کند به تعبیر دیگر از ریشه‌ها با ما گفت‌وگو می‌کند. انسان از اینکه هویت داشته باشد مفری ندارد. ایشان هویت ملی را هویت جدیدی می‌داند که

هرچند در مورد مفهوم هویت، بررسیهای متعددی انجام شده و تعاریف گوناگونی نیز در همین راستا از آن به عمل آمده است، اما گویی مفهومی همچنان مبهم است که از جنبه تعریف و تحدید و مرزبندی می‌گریزد. حتی شناسایی مؤلفه‌های سازنده آن نیز عرصه چالشهای بسیاری بوده است. خصلت سیال و متغیر این مفهوم و مفاهیم تابعه آن (هویت فردی، هویت جمعی، هویت ملی، هویت فرهنگی و...) به این ابهام دامن می‌زند. هویت ملی که موضوع کتاب مورد بحث ما است نیز از این پیچیدگی و سیالیت جدا نیست. در این مورد آنچه که کارشناسان این حوزه تقریباً بر آن اتفاق نظر دارند، این است که هویت ملی پدیده‌ای است که محصول ظهور تفکر مدرن است. به این معنا «هویت» اگرچه به قدمت تاریخ زندگانی بشر است ولی هویت ملی به عنوان یک مفهوم اجتماعی، امری جدید و نوآیین است و ریشه‌های آن را باید در هستی‌شناسی انسان مدرن باز یافت.

معمولاً هویت را در دو سطح طبقه‌بندی می‌کنند:

۱- هویت فردی. نقطه عزیمت در بحث از هویت مفهوم خودشناسی (self-concept) است. می‌توان گفت هویت فردی شامل آن جنبه‌های تعریف از «خود» است که ما را از اشخاص دیگر متمایز می‌سازد. هویت‌های فردی ما از تجربیات منحصر به فرد ما، از ارزشها، گرایشها و احساسات ما نشئت می‌گیرد که اغلب در تجربیات شخص ما ریشه دارد. (Yun, 1988: 110)

۲- هویت جمعی. هویتی که فرد از طریق ارتباط با گروهها یا واحدهای اجتماعی موجود در جامعه کسب می‌کند. مشخص‌ترین آنها، گروه یا واحد اجتماعی یا حوزه و قلمرویی است که با ضمیر «ما» به آن اشاره می‌شود و فرد از لحاظ عاطفی و تعهد و تکلیف خود را متعلق و مدیون به آنها می‌داند. (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۱۲۷)

کتاب هویت ملی در ایران، مجموعه مقالاتی است که توسط داود میرمحمدی گردآوری و تدوین شده است. در این اثر می‌توان به صورتی جامع از دیدگاههای هجده نفر از اساتید و کارشناسان در این مورد مطلع شد. برای

هویت‌های سیاسی را نباید با هویت‌های تاریخی و فرهنگی خلط کرد، چرا که در بسیاری از مناطق، این کشورهای استعماری بودند که برای مستعمرات خود مرز تعیین کردند در حالی که گروه‌های انسانی ساکن در میان آن مرزها چه بسا ریشه و محتوای تاریخی و فرهنگی یکسانی نداشتند

جای خود را به هویت‌های منعطف‌تر، سیال‌تر و با انتخاب‌پذیری بیشتر می‌دهند. خیلی چیزها در حال دگرگونی است. اگر متصلب‌ترین عنصر هویت را جغرافیا یا قلمرو سرزمینی در نظر بگیریم اکنون این مرزها به آسانی درهم نوردیده می‌شود. با وجود رسانه‌ها و فناوریهای ارتباطی، حاکمیت مطلق دیگر وجود نخواهد داشت. مرزهای هوایی و زمینی دیگر آن تصلب سابق خود را ندارند. این تحولات فقط مختص ما نیست. از دیدگاه ایشان چیزهایی که می‌توانستند به عنوان عناصر هویتی باشند به شدت از دست رفته‌اند و باز هم بیش از این از دست خواهند رفت. و ما باید بیشتر به سمت شرایطی حرکت کنیم که هویت‌ها اختیاری باشند نه تحمیلی.

دکتر قیصری دو دیدگاه را در مورد هویت برمی‌شمارد. اول رهیافتی که معتقد است هویت‌ها اعم از سطح فردی یا جمعی آن و عناصر و مؤلفه‌های سازنده آنها، اموری ذاتی و طبیعی‌اند و کمتر دچار تغییر می‌شوند. این دیدگاه به جوهرگرایی معروف است. دوم، دیدگاهی که هویت را معلول محیط - اعم از انسانی و طبیعی - می‌داند. از این دیدگاه، هویت‌ها «ساخته» می‌شوند، نه اینکه از قبل موجود باشند. بر این اساس هویت‌ها، اموری تغییرپذیرند و بسته به تغییرات محیط و شدت و ضعف وضعیتشان دچار تغییر و دگرگونی می‌شوند (ص ۹۰). در این میان نظریات دکتر شاپور رواسانی بدیع است. ایشان معتقد است که در بحث فرهنگ یا هویت بخش مادی آنها اغلب فراموش می‌شود و آنها را محدود به بخش معنوی می‌کنند. در حالی که فرهنگ حاصل پرورش نیروهای فکری، جسمانی و روانی و مجموعه ارزشهای مادی و معنوی است که در جامعه انسانی، در جریان مبارزه برای سلطه بر طبیعت و تکامل به دست می‌آید. لذا ایشان در بحث هویت، به روابط مادی جامعه هم توجه کرده و صرفاً به بعد معنوی و روانشناسانه محدود نمی‌ماند. به عقیده ایشان در بررسی مسئله هویت ملی توجه به ساختار طبقاتی از اهم مسائل است. زیرا برخورد اقشار و طبقاتی که در شرایط مادی و معنوی متفاوتی به سر می‌برند با هرچه که شما از آن به عنوان عناصر سازنده هویت نام ببرید یکسان نیست. (ص ۱۱۱)

به نظر دکتر رواسانی هویت‌های سیاسی را نباید با هویت‌های تاریخی و فرهنگی خلط کرد. چرا که در بسیاری از مناطق، این کشورهای استعماری بودند که برای مستعمرات خود مرز تعیین کردند در حالی که گروه‌های انسانی ساکن در میان آن مرزها چه بسا ریشه و محتوای تاریخی و فرهنگی یکسانی نداشتند. بر این مبنا بسیاری از هویت‌ها که امروزه به نام هویت ملی مطرح می‌شوند، هویت



انسانها یا برخی کشورها در شرایطی آن را از آن خود کردند. برخی کشورها فرآیند شکل‌گیری هویت ملی را انجام شده می‌بینند و در حال پشت سر گذاشتن آن هستند. ایران در میان آنهاست که دیرتر آمده و می‌خواهد دارای هویتی ویژه شود. (ص ۷۳) به نظر قادری هویت‌ها در گذشته جبری‌تر بوده، اما امروزه کمی مختارانه‌ترند. امروزه ارتباطات و امکانات تکنولوژیکی فرصتی فراهم آورده تا هویت‌ها آزادانه‌تر و شکننده‌تر باشند و نیز نوعی شکل‌گیری بالغانه بیشتر در آن به چشم بخورد. هویت‌هایی که قبلاً خیلی متصلب، خشک و انجمادی بودند، مثل هویت قومی و نژادی به باور ایشان

امروزه ارتباطات و امکانات تکنولوژیکی فرصتی فراهم آورده تا هویتها آزادانه تر و شکننده تر باشند و نیز نوعی شکل گیری بالغانه بیشتر در آن به چشم بخورد

اگر در جامعه‌ای عدالت اجتماعی وجود نداشته باشد، هویت ملی دچار بحران و تزلزل می‌شود و هر گروه بر حسب جایگاه طبقاتی‌اش به نمادی احترام می‌گذارد و از نمادهای دیگر رویگردان می‌شود

از نمادهای دیگر رویگردان می‌شود

چند نکته:

ارائه آثاری از این دست که حول محور یک موضوع عقاید عده نسبتاً زیادی از کارشناسان آن حوزه را ارائه کرده‌اند فی نفسه می‌تواند خوب باشد به خصوص آنکه همچون کتاب حاضر از اساتید بنام و خیره استفاده شود. این گونه آثار این امکان را به خواننده و محقق می‌دهد که با نظریات کارشناسان متعددی در مورد موضوعی واحد آشنا شده و راه مقایسه و جمع‌بندی آسان‌تر شود.

با این حال بهتر بود بحثها به گونه‌ای هدایت شوند که در انتها بتوان یک جمع‌بندی منسجم از آنها ارائه نمود. برای مثال خوب بود با توجه به بحثهای ارائه شده تعریفی نسبتاً جامع و مانع از «هویت» و هویت «ملی» ارائه می‌شد. و علل بحران هویت و راهکارهای تقویت هویت ملی مورد بحث قرار می‌گرفت. طی چنین جمع‌بندی، تفاوت دیدگاههای کارشناسان نیز شفاف‌تر می‌شد. برای مثال در آراء برخی از آنها بعد مادی، چگونگی چیدمان طبقات و دست‌آفریده‌های بشری مورد توجه قرار گرفته اما اکثراً می‌بینیم این جنبه در آرائشان مغفول مانده است. به تعبیر دیگر اکثراً هویت ملی را از زاویه روانشناسانه و جامعه‌شناختی مد نظر قرار داده‌اند. در حالی که هویت ملی یک مفهوم بین‌رشته‌ای است و می‌تواند سطوح روانشناسی، جامعه‌شناختی، اقتصادی، سیاسی، روابط بین‌الملل و تاریخ را دربرگیرد.

مورد دیگری که می‌توان از وجود چنین اختلافات نام برد در مورد وضعیت هویت ملی در جهان کنونی است. عده‌ای همچون دکتر حمید احمدی معتقدند که هویت ملی از بین رفتنی نیست و تا زمانی که دولت‌ها از بین نروند قاعدتاً هویت ملی پابرجا خواهد بود. در حالی که دکتر حاتم قادری معتقد است که عناصر هویتی به شدت از دست رفته‌اند و بیش از این نیز از دست خواهند رفت. هرچند که در بعضی مؤلفه‌ها نیز نوعی اجماع ضمنی می‌بینیم. از آن جمله می‌توان به بحث «غیریت» یا وجود «دیگری» اشاره کرد که هویت تنها با پذیرش آن معنا می‌یابد و تعریف می‌شود.

منابع:

- ۱- عبداللهی، محمد ۱۳۷۵، «جامعه‌شناسی بحران هویت»، نامه پژوهش.
- 2- Yun Kim young Godykunst (1988), in intercultural communication Annual, Volum XII.

سیاسی‌اند که ساخته شده‌اند و کوشش می‌شود برای آنان سابقه فرهنگی پیدا شود. ایشان ضمن بحث در مورد عدالت اجتماعی و فقر زدایی متذکر می‌شود که اگر در جامعه‌ای عدالت اجتماعی وجود نداشته باشد، هویت ملی دچار بحران و تزلزل می‌شود و هر گروه بر حسب جایگاه طبقاتی‌اش به نمادی احترام می‌گذارد و از نمادهای دیگر رویگردان می‌شود. برای اینکه در جامعه اشتراک هویتی به وجود آید باید برای همه افراد حق حیات وجود داشته باشد.

از جمله دیگر مقاله‌های این مجموعه، مقاله «توسعه سیاسی و بحران هویت ملی» نوشته دکتر حسین بشیریه است. ایشان پس از اینکه پنج شاخص اصلی توسعه سیاسی را ذکر می‌کند، یادآور می‌شود که توسعه سیاسی با پنج بحران همراه است: بحران هویت که بحران هویت جمعی یا ملی نیز در آن مستتر است. سپس بحران مشارکت، مشروعیت، نفوذ و توزیع. نظریه‌پردازان قدیم در مورد کشورهای در حال توسعه، معتقد به تراکم بحرانها بودند. به آن علت که فرآیند مدرنیزاسیون یک‌باره وارد این کشورها شد، در نتیجه انواع بحرانها به صورت مترکام در این کشورها ظاهر شدند.

ایشان در مورد هویت به خصلت چند بعدی بودن آن اشاره می‌کند. یک فرد ایرانی احساس می‌کند که از یک جهت متعلق به تمدن اسلامی است و از سوی دیگر ویژگیها و آداب و رسوم ایرانی دارد و از جهاتی هم غربی شده است. این وضع طبیعی است. در ضمن هویت امری متصلب و ثابت نیست. بلکه همواره از نو ساخته می‌شود. فرآیند جهانی شدن از سویی هویتها را به سوی هم شکلی سوق می‌دهد و از سوی دیگر امکاناتی نیز برای فرهنگهای محلی فراهم آورده تا به وسیله تکنولوژی به تجدید و کشف سنت و عرض اندام فرهنگی بپردازند. حتی مقوله مقاومت فرهنگی نیز می‌تواند از نتایج جهانی شدن باشد. در وضعیت فعلی، جهانی شدن تعارضی با ابراز وجود فرهنگهای محلی ندارد، یعنی از یک طرف جهانی شدن و از طرف دیگر محلی شدن (منطقه‌ای شدن) را می‌توان به عنوان دو جریان فعال مشاهده نمود. در حقیقت هنجارسازی و یکسان‌سازی کامل ممکن نیست.

از آنجا که در این مقاله معرفی حتی اجمالی تمامی مقالات ممکن نیست، تنها به ذکر اسامی سایر کارشناسان بسنده می‌کنیم: دکتر معینی علمداری، دکتر علی‌رضا بهشتی، دکتر مهشید امامی، دکتر بیگدلی، دکتر حمید احمدی، دکتر میرعبدینی، دکتر مجتهدزاده، دکتر هرمیداس باوند، آقای مسجد جامعی، حجت‌الاسلام جعفریان، دکتر تاجیک و دکتر ابوطالبی.